



## بیانات دیدار با مسؤولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو و در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان

1 / فروردین / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً این عید سعید را به آقایان محترم و به همه‌ی ملت ایران و به ایرانیان مستقر در همه‌جای عالم و به سایر مسلمین، مخصوصاً به مسلمانان بیدار شده‌ی آذربایجان شوروی - که آنها هم امسال عید نوروز را جشن گرفتند - تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم که این عید و این بهار، سرآغازی برای پیشرفت‌ها و نیکروزیه‌ها و خوشبختی‌های بیشتر و دیگری برای ملت مسلمانان باشد که حقا این ملت، با این همه فداکاری و اخلاص و گذشت، شایسته‌ی برکات روزافزون الهی است.

آنچه مهم است، عمل و نیت ماست. نوروز، به معنای روز نو و حالت نو بوده و هست. از لحاظ طبیعت، روز اول حمل - که اول بهار حساب شده است - روزی نو محسوب می‌شود؛ لیکن روز نو، منحصر به تجدید وضعیت در طبیعت نیست؛ همچنان که در بعضی از روایات وارد شده‌ی در باب نوروز از ائمه‌ی هدی (علیهم السلام)، انسان خوب احساس می‌کند که آن بزرگواران هم، بنا به رسم اسلام - که همه‌جا رسوم و سنتها و واژه‌ها را گرفت و محتوای آنها را عوض کرد - در مورد کلمه‌ی نوروز و روز نوروز، درصدد چنین کاری بودند. وقتی از امام (علیه السلام) سؤال می‌کنند که "ما النیروز؟"، حضرت - طبق بعضی از تعبیرات - می‌فرمایند: "آندری ما النیروز؟": می‌دانی که نوروز چیست؟ نمی‌گویند، می‌دانی نوروز چه وقتی است؛ می‌فرمایند، می‌دانی نوروز چیست؟ آن وقت در معنای نوروز و این که نوروز چیست، در روایات مختلف، تعبیرات مختلفی هست. مثلاً آن روزی که رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم)، امیرالمؤمنین را به خلافت منصوب کرد، آن روز، نوروز بود. یا در روایت دیگر، آن روزی که دجال در آخرالزمان، به دست حضرت مهدی (ارواح‌افداه) به قتل برسد، آن روز، نوروز است. یا حتی در بعضی از روایات آمده، آن روزی که آدم هبوط کرد، آن روز، نوروز بود. نوروز، یعنی روزی نو در تاریخ بشر و حالتی نو در زندگی انسانها. علی‌الظاهر در این روایات، امام نمی‌خواهند بفرمایند که آن روزی که این وقایع در آن اتفاق افتاده است، یا خواهد افتاد، با روز اول حمل، مصادف بوده یا خواهد بود. نه، خیلی مستبعد است که مراد این باشد؛ مراد این است که معنای نوروز را بفهمیم.

نوروز، یعنی روزی که شما با عمل خودتان، با حادثه‌ی که اتفاق می‌افتد، آن را نو می‌کنید. روز بیست و دوم بهمن که ملت ایران، حادثه‌ی عظیمی را به کمک خدا تحقق بخشید، روز نویی (نوروز) است. آن روزی که امام امت، قاطعاً به دهان مستکبر قلدر گردن کلفت دنیا - یعنی امریکا - مشت کوبید، آن روز، روز نو و راه نویی (نوروز) بود؛ حادثه‌ی نویی بود که اتفاق می‌افتاد و افتاد. ما باید نوروز را، نو روز کنیم. نوروز به حسب طبیعت، نوروز است؛ جنبه‌ی انسانی قضیه هم به دست ماست که آن را نوروز کنیم.

امسال اتفاقاً بهار طبیعت، با بهار دعا و قرآن، همزمان شده است. چند روز دیگر، ماه مبارک رمضان شروع خواهد شد که بهار نوسازی و خودسازی انسان و بهار انس با خداست. مگر می‌شود از این جنبه‌ی کار، غافل ماند؟ همه‌ی خطاها و اشتباهات، ناشی از نپرداختن به این جنبه‌ی کار است. آن که خطایش کمتر بود، آن که دلش به نور معرفت و هدایت خدا منور بود، آن که اشاره‌اش برای این ملت و برای ما و برای عشاق اسلام در عالم، راهگشا و راهنما بود - یعنی امام راحل عظیم ما - به این جهت این‌طور بود که رابطه‌ی او با خدا، تأمین شده بود.



در دنیا، انقلابها، حکومتها، اداره‌ها و ریاستها از آن‌جا عیب پیدا می‌کند و منحرف می‌شود که از این جنبه - یعنی جنبه‌ی معنویت، جنبه‌ی رابطه‌ی با خدا، جنبه‌ی ارتباط و اتصال قلب به خدا - غافل ماندند و غافل می‌مانند. ما هم اگر دقت کنیم، آن‌جایی که پیش رفتیم، موفق شدیم، خوب عمل کردیم و راضی هستیم، آن‌جایی است که این جنبه را تأمین کردیم. هر جا هم ضربه خوردیم، به خاطر ضعف در این جنبه‌ی کار است.

ارتباط با خدا را نباید دست‌کم گرفت. همه چیز ما، در گروی این رابطه است. این رابطه است که دل ما را قرص می‌کند، تا از دشمنیها هراس نکنیم. این رابطه‌ی با خداست که دل‌های ما را از محبت به مؤمنین و پویندگان راه خدا پر می‌کند، تا اختلاف‌نظرها و اختلاف سلیقه‌ها را نبینیم. این رابطه‌ی با خدا و اتصال به خداست که موجب می‌شود، ما برای اهوای خودمان، حقیقت را زیر پا نگذاریم و مصلحت را فدای غرض شخصی نکنیم. این رابطه‌ی با خداست که موجب می‌شود، ما از راه خدا منحرف نشویم و از پیمودن این راه، پشیمان و خسته و ملول نگردیم. این رابطه‌ی با خدا، همیشه ممکن است و هیچ‌وقت دیر و محال نیست.

زندگی انسان، دایما روی دو جاده‌ی موازی است. یک جاده آن است که روندگان روی آن، دایم به سمت بالا می‌روند. جاده‌ی دیگر، آن راهی است که روندگان آن، به طرف سفلی، به طرف پایین، به طرف دره و به طرف جهنم حرکت می‌کنند. این دو جاده، در کنار هم و موازی با یکدیگرند. خط سیر این دو جاده، کاملاً مثل هم است. آن‌هایی که به طرف سقوط و نزول و سفلی حرکت می‌کنند، از همان‌جایی دور می‌شوند که پویندگان آن جاده‌ی دیگر، به آن‌جا نزدیک می‌شوند. آنها، از خدا دور می‌شوند و به شیطان و دوزخ، نزدیک می‌گردند. آن کسانی که به طرف علو، به طرف بالا، به طرف تعالی، به سمت نور، به سمت خدا، به سمت توحید و نزاهت اخلاقی و طهارت جان حرکت می‌کنند، از همان‌جایی دور می‌شوند و فاصله می‌گیرند که آن گروه دیگر، به سمت آن سقوط می‌کنند.

این دو جاده، در طول مسیر با یکدیگر همسایه‌اند و حرکت از یکی به آن دیگری، در کمال آسانی است. راه، راه نزدیکی است. اگر ما که خدای نکرده، در جاده‌ی دوم حرکت می‌کنیم و از لحاظ اخلاق نفسانی و شخصی، به سمت پایین می‌رویم، اراده کنیم که وارد آن جاده‌ی دیگر بشویم و به سمت بالا و تعالی حرکت کنیم، در هر آنی، این کار میسر است. "و ان راحل الیک قریب المسافه". کسی که به سمت خدا حرکت می‌کند، راه او نزدیک است. اگر بخواهیم وارد راه خدا بشویم، مسافت بسیار نزدیکی است. اگر یک قدم بردارید، از این جاده‌ی که اهل آن، به سمت سقوط و به سمت پایین می‌روند، وارد آن جاده‌ی می‌شوید که اهل آن، به سمت سعادت ابدی، به سمت نور، به سمت جایگاه صدیقین و ملا اعلی، شتاب می‌کنند.

از آن طرف هم، همین‌طور است. آن لحظه‌ی که ما به خواهش نفسمان گوش می‌دهیم و عملی که انسان را از خدای متعال دور می‌کند - العیاذ بالله انجام می‌دهیم، در آن لحظه، پا را از آن جاده به این جاده‌ی که ما را به طرف پایین می‌برد، گذاشته‌ایم. در آن لحظه‌ی که ما تصمیم می‌گیریم برخلاف اهوای نفسانی خود حرکت کنیم و با این خودخواهی و غرور و تبعیت از شیطان نفس مخالفت کنیم - که امام بزرگوار ما، دایما در طول این ده سال و اندی، ما را از آن برحذر می‌داشتند و در همه‌ی قضایا، به همه‌ی ما و به همه‌ی ملت ایران، از جمله به ما مسؤولان می‌گفتند: مواظب باشید، اسیر آن نشوید - همان لحظه، از این مسافت قریب که "ان راحل الیک قریب المسافه"، پا را در آن جاده گذاشته‌ایم و به سمت بالا می‌رویم. و این، در ماه رمضان امکان‌پذیر است. کنترل اهوای نفسانی، در ماه رمضان آسانتر از همیشه است. پس، امسال نوروز ما، حقیقتاً می‌تواند نوروز باشد؛ نه فقط نوروز در طبیعت، بلکه نوروز در ذات و وجود و حرکت خود ما. و امروز، این بسیار مهم است.

امروز چشم جهانی، نگران من و توست. دنیایی متوجه این ملت است. میلیون‌ها دل، در هوای این ملت و هدفهای او، می‌تپند. شما الگو شدید. شما "شهداء علی الناس" شدید. شما پرچمدار آزادی و ایستادگی در مقابل تحمیل قدرتهای ظالم و مستکبر جهانی شدید. امروز، ملتها جرأت می‌کنند اظهار کنند که می‌خواهند زیر بار قدرتهای بزرگ



نباشند. روزی بود که این جرأت، از ملتها گرفته شده بود و به آنها اجازه داده نمی‌شد. شما این راه را باز کردید. این ملت، به دنیا شجاعت داد. رفتار این ملت بود که همراه با قاطعیت و هدایت قوی آن امام ملکوتی و رهبر بی‌نظیر، راه را باز کرد؛ ملتها را تشجیع نمود؛ استکبار را کوچک کرد؛ به او احساس حقارت داد و معلوم شد که انسانها و ملتها، دارای قدرتند. قدرت ذاتی ملتها را انکار می‌کردند و آنها را به دست قدرتهای پوشالی کشورها - که عروسکهایی در دست قدرتهای جهانی بودند - سپرده بودند. امروز، آن‌طور نیست که ملتها قدرت ذاتی خودشان را نفهمند. امروز، ملتها بیدار شده‌اند. البته به حسب قدرت ظاهری، امروز استکبار در میدان سیاست و اقتصاد، خیلی قوی و درشت شده؛ اما به همین نسبت، آسیب‌پذیرتر، توخالی‌تر و در واقع، از قدرت ملتها ترسانتر است. این، وضع ملت ماست که دنیا را این‌گونه به وظایف و حقوقشان آشنا کرده است. بار این مسؤولیت، بر دوش شما، بخصوص مسؤولان است. باید احساس کنیم که چه مسؤولیت سنگینی بر دوش ماست. باید مسؤولیت به سرانجام رساندن این بار سنگین را درک کنیم. ما باید لحظه‌یی غفلت و کوتاهی نکنیم؛ لحظه‌یی سردی و یأس و افسردگی را در هیچ‌کس - حتی در خودمان - تحمل نکنیم.

ما باید با امید پیش برویم؛ همچنان که افق هم نورباران از امید است. همه چیز، نشان‌دهنده‌ی امید است و امروز وضعیت ما، با امکاناتی که در اختیارمان است، وضعیت بسیار خوبی است. بحمدالله دولتی قوی، زمام امور را در دست دارد. این هم از نعم الهی است که در رأس دولت، یک عالم، یک فقیه، یک مبارز سابقه‌دار، یک چهره‌ی شناخته شده و محبوب و امتحان‌داده و مورد تأیید و محبت دایمی امام، با همکاری خوب، با برنامه‌ی محکم و امیدبخش و با حمایتی عمومی از سوی مردم، قرار دارد. بحمدالله مجلس هم بیدار، آگاه، مسؤولیت‌شناس، بکلی فارغ و مبرا از تأثیر توطئه‌های جهانی و مستقل، در کنار دولت قرار گرفته است. این، وضعیت فوق‌العاده ارزنده‌ی است که در اختیار ملت ماست. کافی است که ما با نیت پاک و نیک، عمل کنیم و برای خدا اقدام نماییم. این درس را هم امام (ره) به ما آموختند که عمل و اقدام، برای نتیجه نیست. نتیجه، در آن نیت خالصی است که شما در حین اقدام دارید. نتیجه با خداست؛ ما باید تکلیفمان را انجام بدهیم. خوشبختانه، این انجام تکلیف در طول این یازده سال، همراه با نتایج بوده است.

ما امروز، ملتی آگاهتر، هوشیارتر، کارآمدتر و مجربتر داریم و می‌توانیم پیش برویم. دشمن هم باید بداند که این ملت، آن روزی که اول کارش بود، استکبار را درست آزمایش نکرده بود، ممکن بود تهدید و ارعاب و تطمیع دشمنان جسیم و علی‌الظاهر بزرگ خود را در دنیا جدی بگیرد و فریب بخورد، آن روز از تهدید و تحبیب و تطمیع دشمنان، فریب نخورد. امروز که مجرب شده، راهی طولانی پشت سر گذاشته، آگاهیهای مضاعفی پیدا کرده، دوستان و دشمنان را در صحنه‌ی بین‌المللی، بیش از همیشه شناخته؛ به طریق اولی، گول تهدید و تطمیع دشمنان بزرگ را نخواهد خورد.

امیدواریم که خداوند توفیقاتش را شامل حال همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز بفرماید و قلب مقدس ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) را از ما راضی کند و روح مطهر امام عزیز را هم از ما خشنود بگرداند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته